

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون کهن بنیادین دنیای باستان

اسماعیل سنگاری*

چکیده

در پژوهش‌های تاریخ ایران باستان، که کمبود اطلاعات اعم از نوشته‌های مورخان کلاسیک، پوست‌نوشته‌ها، و سنگ‌نوشته‌ها، به مفهومی دیگر داده‌های مادی (باستان‌شناختی) و مکتوب، مورخ را در تحلیل صحیح و دقیق آن دوره دچار مشکل می‌کند، ترجمه یک اثر کلاسیک مربوط به دوره‌ای خاص چنان اهمیت می‌یابد که فقط با انتشار یک اثر در این حوزه اطلاعات و داده‌های تاریخی به‌گونه‌ای دیگر تفسیر و تعبیر خواهند شد. از این‌رو، روشن است که ترجمه آثار کلاسیک یونانی و لاتین اهمیتی دوچندان می‌یابد و شایسته است که مترجم، افزون بر احاطه کامل بر دوره تاریخی متن مورد نظر، بکوشد با وقوف کامل بر سبک و اسلوب نگارش نویسنده وفاداری به متن را تمام و کمال حفظ کند. این پژوهش بر آن است با بررسی تطبیقی ترجمه‌های دو مورخ کهن یونان و روم باستان، هرودوت هالیکارناسی و پلوتارخوس خروانه‌ای، راه‌کارهایی را برای جلوگیری از خطای پژوهشی مترجم - محققان ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: متون کهن، آسیب‌شناسی ترجمه، هرودوت هالیکارناسی، پلوتارخوس خروانه‌ای.

۱. مقدمه

۱.۱ چرایی، جایگاه، و اهمیت ترجمه متون کهن دنیای باستان

ترجمه به‌عنوان حرفه‌ای که در تبادلات بین‌تمدنی به‌یاری مردمان تمدن‌های کهن برای برقراری ارتباط درآمد، سابقه‌ای بیش از چندده‌هزار سال را یدک می‌کشد. ولی دانش

* دکترای تاریخ زبان‌ها و تمدن‌های دنیای باستان، دانشگاه لیون، استادیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان، e.sangari@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۱

ترجمه‌شناسی، که می‌بایست به بررسی نظری چندوچون این علم بپردازد، شاید سابقه‌ای بیش از هزار سال ندارد و آن زمانی است که جاحظ مورخ در میان مسلمانان ویژگی‌های ترجمه و طرح نظری برخی نکات درباب ترجمه را بررسی کرد که اندکی بیش از هزار سال می‌نماید. در غرب نیز این سابقه به پانصد سال می‌رسد و آن زمانی است که اتین دوله فرانسوی به بررسی‌های نظری درباره ترجمه پرداخت. طی این سده‌ها و به‌ویژه با آغاز قرن بیستم و رقابت فرهنگی دولت‌ها و حکومت‌ها با یک‌دیگر، همواره بخشی از موضوع اصلی متن‌شناسی این بوده که ترجمه خوب کدام است و آیا ترجمه باید به زبان مبدأ نزدیک‌تر باشد یا مقصد؟ و چگونه می‌توان با ارائه ترجمه‌ای سلیس و خوب به متن اصلی وفادار ماند (صفوی ۱۳۸۲: ۱۰).

درباره شیوه ترجمه در سال‌های اخیر سخن بسیار گفته‌اند و به‌حق متذکر شده‌اند که مترجم خوب کسی است که سه شرط را در خود جمع داشته باشد: نخست تسلط بر زبانی که از آن ترجمه می‌کند (یا اصطلاحاً زبان مبدأ)؛ دوم تسلط بر زبانی که به آن ترجمه می‌کند (یا اصطلاحاً زبان مقصد)؛ سوم تسلط بر موضوع موردبحث کتاب. ... زیرا اگر مترجم اهل اصطلاح نباشد، از عهده ترجمه آن بر نمی‌آید (نجفی ۱۳۸۹: ۶).

حال در مواجهه با متون کهن بنیادین دنیای باستان شرایط چگونه می‌نماید؟ محققان و تاریخ‌پژوهان دوره باستان آگاه‌اند که سبک نگارش نویسندگان یونان و روم با یک‌دیگر متفاوت است؛ هم‌چنان‌که داده‌ها و اطلاعات تاریخی آن‌ها، حتی در توصیف چندوچون یک واقعه تفاوت دارد. پس بر مترجم فرض است که پیش از آغاز ترجمه، درباره نویسنده و دوره تاریخی او اطلاعات وافی و کافی به‌دست آورد. نکته مهم دیگر این‌که مخاطبان چنین آثاری پژوهش‌گران و متخصصان تاریخ، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فرهنگ‌های باستانی، و حتی دیگر شاخه‌های علوم انسانی‌اند و پژوهش‌ها و تفسیرهای خویش را برپایه داده‌های چنین آثاری استوار می‌سازند و بس ناگوار خواهد بود که آن اطلاعات ناقص و پراهم را در پژوهش‌های خویش وارد کنند و حتی به تفسیر و تبیین این اطلاعات نادرست همت گمارند (سنگاری ۱۳۸۴: ۷۰).

در این پژوهش، نویسنده بر آن است با بررسی تطبیقی ترجمه‌های دو اثر کهن، تاحد امکان برای این پرسش‌ها پاسخی درخور ارائه دهد: ترجمه‌های آثار مورخان یونان و روم باستان به زبان فارسی در چه جایگاهی قرار دارند؟ این ترجمه‌ها، در راستای اهداف پژوهشی محققان حوزه مطالعات باستانی، تا چه میزان قابل‌استنادند؟ برخورد پژوهش‌گران

و استاد‌های دانشگاه‌ها در ایران برای بهره‌گیری از این متون به‌منظور برون‌دادهای پژوهشی در قالب مقالات علمی - پژوهشی و کتاب چگونه باید باشد؟

۲.۱ مواجهه با متون کهن یونان و روم باستان در دنیای لاتین و آنگلوساکسون

پژوهش در دنیای غرب، برای نیل به شرق‌شناسی کارآمد و علمی، پس از چهار سده تلاش از اوایل قرن پانزدهم در دنیای فرانسوی‌زبان و بعد از سه سده تلاش از اوایل قرن شانزدهم در دنیای انگلیسی‌زبان، در ابتدای قرن بیستم برای ارائه ترجمه‌های اصیل و بی‌نقص به راه‌کاری ارزشمند دست یافت. در واقع، پژوهش‌گران دریافته‌اند که ترجمه‌های متفاوتی که از متون کلاسیک در دست‌رس آنان قرار می‌گیرد داده‌های متفاوتی را بنابر نسخه‌های در دست‌رس مترجم در اختیار آنان می‌نهد که این خود به تفسیرهای گوناگونی از متنی واحد می‌انجامد که مترجمان گوناگون برگردانده‌اند. برای مثال، از اوایل قرن پانزدهم میلادی، ترجمه‌های متعددی از تواریخ هرودوت توسط مترجمانی نظیر لوران والا، پی‌یر سالیبا، لارشه، تالبو، پل‌لویی کوریه، پسونو، هانری برگن، لوگران، آندره بارگه، و ... به زبان فرانسوی صورت‌پذیرفته که هر یک از آنان بنابه رویکرد خویش به ترجمه‌ای آزاد یا علمی دست‌یازیدند. با این طیف از ترجمه‌های متفاوت، لازم بود که اجماعی برای بهره‌گیری از متنی واحد برای بهره‌گیری در آثار پژوهشی موردتوافق قرار گیرد و این چنین بود که نشر «*لیبل لیتق / مکتوبات زیبا / Les Belles Lettres*» در دهه دوم قرن بیستم میلادی پا به عرصه وجود نهاد.

لیبل لیتق مجموعه‌آثاری است که مؤسسه انتشاراتی «گیوم بوده» (Guillaume Budé) (1467-1540) در پاریس منتشر می‌کند و این بنگاه انتشاراتی به‌طور گسترده و ضابطه‌مند به ترجمه آثار کلاسیک و کهن یونان و روم باستان می‌پردازد. این مجموعه، با متن‌های اصلی به زبان یونانی و لاتین به‌همراه ترجمه دقیق و متقن آن‌ها را بزرگ‌ترین متخصصان ادبیات و تاریخ یونان و روم باستان منتشر می‌کنند. آغاز راه مجموعه *لیبل لیتق* به سال ۱۹۱۹ م و اولین اثر منتشرشده آن به سال ۱۹۲۰ م بوده است. نخستین جلد مجموعه آثار یونانی - فرانسوی آن در سال ۱۹۲۰ م و لاتین - فرانسوی آن در سال ۱۹۲۱ م در «مجموعه انتشارات دانشگاه‌های فرانسه» (Collection des Universités de France) منتشر شد. دو نسخه از این مجموعه با لوگوی جغد دانش (برای زبان یونانی) و گرگ ماده مادر روموس و رومولوس (برای زبان لاتین) با جلد سخت به زیور طبع آراسته شد. در سال‌های اخیر، ترجمه‌های

اولیه این مؤسسه انتشاراتی بارها بازبینی شده‌اند. مکتوبات زیبا در مقایسه با کتاب‌های هم‌موضوع خود، دیدگاه منتقدانه‌ای دارد، بنابراین تقریباً برای همه افراد قابل درک و فهم است. این منبع هم‌اکنون به‌مثابه یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها، شامل عناوین تاریخی و آثار قدیمی در زبان لاتین و یونانی شناخته می‌شود.^۱

نباید فراموش کرد که دنیای انگلیسی‌زبان نیز هم‌گام و حتی پیش‌تر از فرانسوی‌ها برای رفع معضل مواجهه با متون متعدد ترجمه‌ای آثار کلاسیک دست‌به‌کار شده بود و آنان هفت سال پیش از فرانسوی‌ها راه‌کار خویش را عملی ساختند و با تأسیس مؤسسه انتشاراتی «کتاب‌خانه کلاسیک لوب / لوب کلاسیکال لایبری / Loeb Classical Library» انتشار آثار کلاسیک در دنیای انگلیسی‌زبان را سروسامانی بخشیدند. لوب کلاسیکال لایبری مجموعه‌آثاری است که انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر می‌کند و در آن به‌طور گسترده و ضابطه‌مند به ترجمه آثار کلاسیک و کهن باستانی یونان و روم می‌پردازد. در «کتاب‌خانه کلاسیک لوب»، متن‌های اصلی به زبان یونانی و لاتین به‌همراه ترجمه تقریباً تحت‌اللفظی آن‌ها دیده می‌شود. آغاز تألیف این مجموعه را جیمز لوب (Jamse Loeb) انجام داد و دبیران این مجموعه درحال حاضر جفری هندرسون (Jeffrey Henderson) و ویلیام گودوین اورلیو (William Goodwin Aurelio)، استادان زبان و ادبیات یونانی در دانشگاه بوستون هستند. نخستین جلد این کتاب را و. اچ. دی روس (W. H. D. Rouse) و ادوارد کیپس (Edward Keeps) در سال ۱۹۱۲ م ویرایش و منتشر کردند. اکنون دو نسخه از این مجموعه با رنگ‌های سبز (برای زبان یونانی) و قرمز (برای زبان لاتین) با جلد سخت به زیور طبع آراسته می‌شود. در سال‌های اخیر، نظیر نشر *لیبلِ ایتق*، ترجمه‌های اولیه بارها بازبینی شده‌اند. کتاب‌خانه کلاسیک لوب در مقایسه با کتاب‌های هم‌موضوع خود دیدگاه منتقدانه‌ای دارد؛ باوجوداین، تقریباً برای همه افراد قابل درک است. این منبع هم‌اکنون نظیر همتای فرانسوی‌زبان خود، به‌عنوان یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها، شامل عناوین تاریخی و آثار قدیمی در زبان لاتین و یونانی شناخته می‌شود.^۲

چاپ و نشر این قبیل آثار، که انتخاب مترجم و پژوهش‌گری دانشمند و آگاه به متن کلاسیک موردنظر را می‌طلبد، مستلزم سعه صدر بسیار ناشر است. به‌عبارت‌دیگر، از مرحله آغازین انتخاب مترجم و قرارداد تألیف و ترجمه تا مرحله چاپ نهایی، بار مالی متوجه ناشر است و ناشر با علم به این‌که این اثر به‌جز مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی فروش چندانی نخواهد داشت و حتی افراد حقیقی به‌دلیل گرانی بی‌اندازه اثر قادر به خرید آن نخواهند بود، دست به ابتکاری هوشمندانه زده است. بر این اساس، پس از عقد قرارداد

با نویسنده، ناشر اثر را به مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی معرفی می‌کند و پس از دریافت اعلام نسخه‌های موردنیاز آن نهاد پژوهشی، به چاپ و نشر آن مبادرت می‌ورزد. بدین‌سان، برخلاف تصور رایج در چاپ و نشر آثار در دنیای غرب، که در اغلب موارد بیش از صدهزار نسخه و در موارد خاص بالای یک میلیون نسخه است، این آثار تیراژی زیر هزار نسخه دارند که آن نیز فقط باتوجه‌به تقاضای مؤسسات پژوهشی به آن‌ها عرضه می‌شود. این نکته ظریف و البته قابل تأمل می‌تواند راه‌کاری مفید برای مؤسسه‌ای پژوهشی یا نهادی وابسته به انتشارات دولتی در ایران باشد که به چاپ و نشر ضابطه‌مند این آثار براساس قواعدی علمی مبادرت ورزند.

۳.۱ مترجم و مواجهه با متون کهن یونان و روم باستان

در جریان ترجمه، مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است و باید تلاش بی‌شائبه‌ای به خرج دهد که مخاطبش (خواننده) ترجمه‌اش را دریابد و درعین‌حال، پیام نویسنده نیز تحریف نشود (صفوی ۱۳۸۲: ۱۶). این مسئله در مواجهه با متنی کلاسیک بسیار دشوارتر از متنی روزآمد و معاصر می‌نماید. بدین‌سان، در بادی امر به‌نظر می‌رسد مترجم یک اثر کلاسیک با دیگر مترجمان حوزه‌های مختلف پژوهشی تفاوتی بنیادین ندارد. به‌عبارت‌دیگر، مترجم رمان، آثار روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، یا حتی متون تاریخی معاصر با دانش وافی و کافی زبان مبدأ قادر است به برگرداندن متنی کلاسیک اقدام کند. باید گفت این اشتباه راه‌بردی تمام‌عیار محسوب می‌شود. مترجم متن کلاسیک در بادی امر به دانش زبانی زبان مبدأ نیاز دارد، ولی آن زبان انگلیسی، فرانسوی، یا آلمانی و دیگر زبان‌های غربی نیست، به‌عبارت‌دیگر، دانستن زبان یونانی یا لاتین مرتبط با متن پایه مطمح‌نظر است. در دنیای غرب، محققان با تحصیلات عالیه در رشته‌های تاریخ و فرهنگ‌های باستانی با این مشکل مواجه نیستند و آموزش‌های لازم در مقاطع مختلف از دوره کارشناسی برای آن‌ها دور از دست‌رس نیست؛ مسئله‌ای که در ایران نقطه مقابل آن است و امکانات لازم برای آموزش در این زمینه فراهم نیست.^۳ با علم به این موضوع، وقتی گزینه اول و دانش زبانی زبان مبدأ وجود ندارد، چه راه‌کارهایی پیش‌نهاد می‌شود؟ در این شرایط دانش کافی بر زبان مبدأ دست‌دوم است که اهمیت می‌یابد. بدین‌سان، جست‌وجوی بهترین ترجمه‌های موجود از اثر کلاسیک موردنظر، به‌طور مشخص از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی، باید صورت پذیرد و حداقل سه ترجمه از هریک از زبان‌ها برای ارائه یک ترجمه انتقادی خوب

و مؤثر در دسترس مترجم باشد. آن‌گاه، انتخاب یک متن پایه از میان آن‌ها برای ترجمه و بهره‌گیری از دیگر آثار برای مطابقت با متن پایه در دستورکار مترجم قرار خواهد گرفت. بی‌شک، متن پایه باید از انتشاراتی معتبر (نظیر لبل لتق یا لوب کلاسیکال لایبری)، که متن شاهد یونانی / لاتین در صفحات مقابل آن آمده، انتخاب شده باشد. مترجم اثر باید برگردان پانوشته‌های متن پایه منتخب مطابق با نیاز پژوهش‌گران فارسی‌زبان را هم‌زمان با ترجمه متن پایه انجام دهد. تشخیص «نیاز پژوهش‌گران فارسی‌زبان» بر عهده مترجم است، زیرا در یادداشت‌ها و پانوشته‌های متن مبدأ در برخی موارد، اطلاعاتی به چشم می‌خورد که برای خواننده و محقق فارسی‌زبان چندان کاربردی نمی‌نماید و برای پژوهش‌گری اروپایی تعریف شده است که در گستره جغرافیایی اروپای کنونی روزگار می‌گذراند. مترجم همچنین باید برای برقراری ارتباط بیشتر خوانندگان با متن کلاسیک، ترجمه و بهره‌گیری از پانوشته‌های دیگر متون مبدأ در دسترس را به انجام برساند. با سرانجام یافتن برگردان متن پایه، تحقیق بر متن کلاسیک موردنظر برای ارائه داده‌ها و توضیحاتی برای درک بهتر خواننده فارسی‌زبان اهمیتی ویژه می‌یابد. این توضیحات، که در قالب مقدمه مترجم است، با ارائه نقشه‌ها و ضمایم برای برقراری ارتباط بیشتر خوانندگان اثر با متن کلاسیک در انتهای اثر انجام خوبی خواهد یافت. بدین‌سان، اثر ارائه‌شده نه یک ترجمه، بلکه یک تحقیق جامع و مانع از اثری کلاسیک است که ارزش احترام دارد، حتی بیش از یک اثر تألیفی.

۲. هرودوت هالیکارناسی (سده پنجم پیش از میلاد)

هرودوت هالیکارناسی (Herodotus of Halicarnassus)، که ارسطو (Rhetorique, III, 9) از وی با نام «هرودوت توریومی» (Herodotus of Thorium) یاد می‌کند، نویسنده نه جلد تواریخ است (سنگاری ۱۳۹۳: ۱۳۷). وی که از سوی مارکوس تولیوس چیچرو (سیسرو)، خطیب و فیلسوف شهیر رومی، «پدر تاریخ» (درباب قوانین) و از سوی پلوتارخوس، مورخ شهیر حیات مردان نامی، «پدر دروغ» (درباب خبث طینت هرودوت) نامیده شده است، از عصر باستان تا امروز متحمل بیش‌ترین نقدها شده است (Plutarch, *Moralia: On the Malice of Herodotus*, vol. xi).^۲ او کتاب تواریخ یا تتبعات (L'Enquête) خویش را درباره حوادث گذشته یونان و سرزمین‌های غیر یونانی در شرق و به‌ویژه، جنگ‌های ایرانیان و یونانیان در نه کتاب (موزها / Muses) به رشته تحریر درآورد. اثر هرودوت در زمانی نوشته شد که تأثیرات ادبیات شفاهی هنوز قدرت‌مندتر از ادبیات مکتوب می‌نمود؛ زمانی که

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی ... ۱۷۷

نویسنده هنوز فقط یک راوی داستان و حکایت بود و دنیای اسطوره‌ای هومر بسیار دور، مرموز، و عجیب می‌نمود. بدین‌سان، تفاوت بین افسانه و تاریخ مشخص نبود (Sharrock and Ash 2002: 57).

۱.۲ بررسی موردی سه ترجمه فارسی و دو ترجمه لاتین تواریخ اثر هرودوت

انتشار و ترجمه تواریخ هرودوت در دنیای فرانسوی‌زبان از سده پانزدهم میلادی آغاز شد. در بادی امر، در فرانسه متن تواریخ هرودوت نخستین‌بار در ۱۴۷۴ میلادی با ترجمه لاتین لوران والا (Laurent Valla) به‌زیور طبع آراسته شد. در ۱۵۵۶ م با ترجمه فرانسوی پی‌یر سالیا^۵، در ۱۷۹۶ م با ترجمه لارشه (Larcher)، در ۱۸۶۴ م با ترجمه تالبو (Talbot)، در ۱۸۲۲ م با ترجمه پل لویی کوریه^۶ بر بخش‌هایی از متن تبعات (تواریخ)، در ۱۸۸۱ م با ترجمه و تصحیح پسونو (E. Pessonneaux, Paris, 1881) بر ترجمه لارشه، در ۱۹۳۲ م با ترجمه هانری برگن (H. Berguin) در مجموعه کلاسیک‌های نشر گرنیه (Collection des Classiques Garnier)، در ۱۹۳۲-۱۹۵۴ م با ترجمه، مقدمه، و نمایه موضوعی در یازده جلد توسط لوگران^۷ در نشر لیل لتق، در ۱۹۶۲ م با مقدمه دن^۸ در جلد در نشر لیل لتق و سرانجام در ۱۹۶۴ م با ترجمه و تحقیق آندره بارگه (André Barguet) در نشر گالیمار (Gallimard) منتشر شد. این اثر بارها و بارها مورد توجه و بازبینی بهترین محققان و مترجمان فرانسوی تاریخ یونان باستان واقع شده است. در این‌جا، به مقایسه عبارتی از متن کتاب نخست هرودوت، که از عصر بی‌زانس به‌نام کلیو (ایزدبانوی تاریخ) ثبت شده، می‌پردازیم:

۲.۲ ترجمه هرودوت از کتاب اول (کلیو)، بند ۱۲۶

- ترجمه فرانسوی لوگران:

Page 147, 126: "Puis, après qu'ils eurent festoyé, il leur demanda ce qu'ils aimaient le mieux, de leur condition de la veille ou de leur condition présente".

- ترجمه انگلیسی راولینسون:

Page 30, 126: After the feast was over, he requested them to tell him "which they liked best, to-day's work, or yesterday's?".

- ترجمه هادی هدایتی:

بند ۱۲۶، صفحه ۲۱۲: «وقتی ضیافت به پایان رسید، از آن‌ها سؤال کرد بین نوع زندگی که در شهر دارند و نوع زندگی که در بیابان اکنون با آن روبه‌رو هستند، کدام‌یک را ترجیح می‌دهند».

- ترجمه مرتضی ثاقب‌فر:

بند ۱۲۶، صفحه ۱۶۰: «پس از پایان جشن کوروش از همگی پرسید کدام بهتر بود، آیا کار سخت دیروز یا خوشی امروز؟».

- ترجمه اسماعیل سنگاری:

بند ۱۲۶، صفحه ۹۶: «پس از به‌پایان رسیدن ضیافت، او آن‌ها را خطاب قرار داد که آیا مشغولیات روز گذشته را مرجح می‌دارند یا از آن امروز را؟».

ترجمه‌های فرانسوی لوگران، انگلیسی راولینسون، و فارسی ثاقب‌فر و سنگاری کم‌وبیش یک معنی از آن‌ها مستفاد می‌شود؛ این درحالی است که ترجمه هدایتی، که متن پایه وی در ترجمه فارسی اثر لوگران است، بیان‌گر موضوعی دیگر است. با استناد به متن ترجمه هدایتی، اقوام پارسی زندگی شهرنشینی داشتند و با حضور در بیابان درحال آزمودن زندگی مردمان صحرانشین بودند. این موضوع با آنچه در سال‌های اخیر برپایه آخرین پژوهش‌های محققان تاریخ هخامنشی مطرح است منافات دارد (see Briant 1990: 69). به‌نظر می‌رسد مترجم فارسی (هدایتی) واژه فرانسوی «la veille» را با «la ville» اشتباه گرفته و در نتیجه، با ساختاری مواجه شده که در نهایت به‌خطا به افزودن «نوع زندگی بیابان‌گردی» منجر شده است که در جمله برگردان فرانسوی از متن یونانی اثری از آن به‌چشم نمی‌خورد.

۳. پلوتارخوس خرونه‌ای (مورخ سده اول و دوم میلادی)

۱.۳ بررسی موردی سه ترجمه فارسی و دو ترجمه لاتین از «زندگانی اردشیر

دوم هخامنشی» اثر پلوتارخوس خرونه‌ای

حیات مردان نامی پلوتارک (Plutarque) با ترجمه رضا مشایخی، ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارخ با ترجمه احمد کسروی، و تاریخ کیش زردشت (جلد ۲: هخامنشیان) با ترجمه همایون صنعتی‌زاده سه متن فارسی‌اند که ترجمه‌ای از بندهای آغازین اثر پلوتارخوس ارائه می‌دهند.

- متن آغازین زندگانی اردشیر دوم اثر پلوتارخوس به زبان فرانسوی از مجموعه

لبیل لتقی:

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی ... ۱۷۹

Peu de jours après la mort de Darius, Artaxerxès se rendit à Pasargades (3), pour s'y faire sacrer par les prêtres de Perse. Dans cette ville il y a un temple dédié à la déesse de la guerre, qu'on peut conjecturer être la même que Minerve. Celui qui doit être sacré entre dans ce temple: là il quitte sa robe, et revêt celle que portait Cyrus l'ancien avant qu'il fût parvenu à la royauté, et qu'on garde avec vénération; après avoir mangé une figue sèche, il mâche des feuilles de térébinthe, puis il boit un breuvage composé de vinaigre et de lait.

- متن آغازین زندگانی اردشیر دوم اثر پلوتارخوس به زبان انگلیسی از مجموعه لوب کلاسیکال لایبری^۹:

3. A little while after the death of Darius, the new king made an expedition to Pasargadae, that he might receive the royal initiation at the hands of the Persian priests. Here there is a sanctuary of a warlike goddess whom one might conjecture to be Athena. Into this sanctuary the candidate for initiation must pass, and after laying aside his own proper robe, must put on that which Cyrus the Elder used to wear before he became king; then he must eat of a cake of figs, chew some turpentine-wood, and drink a cup of sour milk.

- متن ترجمه زندگانی نامۀ اردشیر دوم اثر پلوتارخوس به زبان فارسی از رضا مشایخی (حیات مردان نامی):

بند ۳. چند روزی پس از مرگ، اردشیر به پاسارگاد رهسپار شد تا به دست موبدان تاج سلطنت بر فرقش نهاده شود. در پاسارگاد گویا معبدی است که به افتخار رب‌النوع جنگ که محتمل است میزرو باشد بنیاد یافته. هریک از پادشاهان ایران که می‌بایست بر تخت سلطنت جلوس کنند، به آن محل می‌آمدند و لباس خود را خارج نموده، ردای سلطنتی کوروش اول را بر تن می‌نمودند و خود را متبرک می‌ساختند. خوراکی که از انجیر درست شده بود، می‌خوردند و سپس یک جرعه آب ماست می‌نوشیدند (حیات مردان نامی: ج ۴، ۴۸۰).

- متن ترجمه زندگانی اردشیر دوم اثر پلوتارخوس به زبان فارسی از احمد کسروی (ایرانیان و یونانیان):

اندکی پس از مرگ داریوش بود که جانشین او ارتخشتر به پاسارگاد رفت برای انجام آیینی که بایستی به‌هنگام تخت‌نشینی با دست موبدان انجام گیرد. در آنجا ستایشگاهی است به‌نام خدای مادینه جنگ‌دوستی که می‌توان آن را ماندهٔ مینرو دانست و در این پرستشگاه است که کسی که نامزد تخت و تاج است، رخت خود را کنده رختی را که داریوش یکم پیش از پادشاهی بر تن خود داشته

می‌پوشد و سپس یک زنبیل انجیر خورده از روی آن، قدری میوه خورده و یک فنجان شیر ترش می‌نوشد.^{۱۰}

- متن ترجمه زندگانی اردشیر دوم اثر پلوتارخوس به زبان فارسی برگرفته از اثر مری‌بویس (تاریخ کیش زرتشت) ترجمه همایون صنعتی‌زاده:

اردشیر، چند روزی پس از مرگ، ره‌سپار پاسارگاد شد تا مراسم آغاز سلطنت او، به‌دست مغان انجام شود. در آن‌جا زیارتگاهی است برای ایزدبانویی که مظهر جنگ است و می‌توان حدس زد که آتیه باشد. هریک از شاهان ایران که می‌بایست بر تخت جلوس کند به آن محل می‌آمد. جامه از تن در می‌آورد و لباسی را که کوروش بزرگ (دوم) پیش از رسیدن به شاهی بر تن می‌کرد، می‌پوشید. آن‌گاه حلوائی انجیر می‌خورد. چوب درخت سرو را می‌جوید. کاسه‌ای دوغ سر می‌کشید.^{۱۱}

باتوجه‌به آنچه گفته شد، اختلافات ترجمه‌ها در کدام واژه یا عبارت است و در نگاه انجامین، کدام یک به متن پایه نزدیک‌تر است؟

ترجمه مشایخی: «... خوراکی که از انجیر درست شده بود می‌خوردند و سپس یک جرعه آب ماست می‌نوشیدند».

اختلافات ترجمه: به‌دست موبدان/ به افتخار رب‌النوع جنگ‌مینرو (بغ)/ کوروش اول/ خوراک انجیر/ یک جرعه آب ماست.

ترجمه کسروی: «... سپس یک زنبیل انجیر خورده از روی آن قدری میوه خورده و یک فنجان شیر ترش می‌نوشد».

اختلافات ترجمه: با دست موبدان/ خدای مادینه جنگ‌دوستی مینرو (بغ دخت)/ داریوش یکم/ یک زنبیل انجیر/ قدری میوه/ یک فنجان شیر ترش.

ترجمه صنعتی‌زاده: «... آن‌گاه حلوائی انجیر می‌خورد. چوب درخت سرو را می‌جوید. کاسه‌ای دوغ سر می‌کشید».

اختلافات ترجمه: به‌دست مغان/ مظهر جنگ، آتیه (بغ دخت)/ کوروش بزرگ (دوم)/ حلوائی انجیر/ چوب درخت سرو/ کاسه‌ای دوغ.

این اختلاف در ترجمه‌ها، آن‌هم در متون بنیادینی که اندک تفاوتی در گزاره‌ها تفاسیری گوناگون از محققان را به‌دست می‌دهد، قابل چشم‌پوشی و اغماض نیست. صفوی، نویسنده و مترجم، در مبحثی با عنوان درباب «شیوه نقد ترجمه» با بیان روایتی جالب، موضوع گوناگونی ترجمه از یک متن واحد را به‌روشنی بیان می‌دارد:

می‌گویند که بطلمیوس دوم، پادشاه مصر، از کاهن بزرگ اورشلیم خواست تا وی هفتاد مترجم را برای ترجمه کتاب شریعت یهود راهی اسکندریه کند. این هفتاد تن در اتاق‌های جداگانه از یکدیگر محبوس شدند تا هفتاد ترجمه یونانی از متن موردنظر را به صورت منفرد تهیه کنند. پس از انجام کار، مشاهده شد که تمامی ترجمه‌ها یکسان بوده و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، از این رو، کار آنان را «ترجمه هفتادی» نامیدند. این روایت اگرچه جالب می‌نماید، ولی بدون تردید افسانه‌ای بیش نیست. هیچ دو مترجمی از یک متن واحد ترجمه‌ای یکسان به دست نمی‌دهند و حتی اگر یک مترجم نیز پس از ترجمه متنی، اقدام به ترجمه‌ای دوباره از آن متن کند، برگردانی متفاوت از ترجمه نخست خود به دست خواهد داد. این مسئله در زبان‌شناسی و به ویژه در چهارچوب «کاربردشناسی زبان» تحت عنوان گوناگونی در ترجمه مطرح است (صفوی ۱۳۶۹: ۱؛ صفوی ۱۳۸۲: ۳۹).

۲.۳ آسیب‌شناسی ترجمه‌ها و تحلیل نوشته پلوتارخوس

بنابه تحلیل مری بویس، برپایه بند سوم زندگانی/ اردشیر اثر پلوتارخوس، دقیقاً خصیصه فرائض دیانت زردشتی رعایت می‌شده است. سه چیز بایستی به گونه‌ای آیینی مصرف شود: دو تا از ملکوت گیاهان و یکی از شهریاری حیوانات. از همین رو، پراهومی را که در مراسم یسنا فراهم می‌شود و عامه مردم اجازه مصرف آن را دارند، ترکیبی است از فشرده گیاه هوم با برگ انار و آمیخته با شیر. این مراسم، که شرح آن نخستین بار به‌هنگام جلوس اردشیر دوم (۴۰۵/۴۰۴ - ۳۵۹/۳۵۸ پم) به رشته تحریر درآمد، به احتمال قریب به یقین توسط کمبوجیه یا داریوش بزرگ بنیاد گذارده شده بود. مراسم سرشار از انبوه اشارات ضمنی سیاسی، مذهبی، و آیینی است که به گونه‌ای نیرومند بر دوام دین و دولت هخامنشیان دلالت دارد.

باتوجه به آنچه گفته شد، اردشیر دوم نیز باتوجه به اشاره پلوتارخوس به این سنت پای‌بند ماند تا بر مشروعیت خویش، که توسط کوروش کوچک با حمایت مادرشان پروشاته، در معرض تهدید قرار گرفته بود، صحنه نهاده باشد. این‌که او سنت پیشینیانش را پای‌مال نکرده هم‌چنان پای‌بند سنن خاندان خویش باقی ماند که عناصری از دین زردشتی خالص را در آیین خویش داشته‌اند، جای هیچ شکمی باقی نمی‌گذارد. پی‌یر بریان در این باره نیز اشاره دقیقی دارد:

این احتمال بسیار اندک می‌نماید که اردشیر دوم با سیاست اسلاف خویش قطع ارتباط کرده، تلاش کرده باشد تا کیش ارباب انواع ایرانی را در مناطقی که بروس بابلی برشمرده، مستقر کند... در این شرایط، مخاطبان تصمیم اردشیر مشخص‌اند. شاه بزرگ از این طریق، پارسیان ساکن در ولایات گوناگون امپراتوری را هدف پیام خویش قرار می‌دهد و با پراکندن کیش ایزدان که بخشی از مشروعیت پادشاهی است، در جست‌وجوی آن است که پارسیان پراکنده را هرچه بیش‌تر به خود پیوند دهد (Briant 1996: 520).

۴. نتیجه‌گیری

باری دیگر، پرسش‌های آغازین را برای تحلیلی جامع و مانع از سر می‌گیریم. ترجمه‌های آثار مورخان یونان و روم باستان به زبان فارسی در چه جایگاهی قرار دارند؟ این ترجمه‌ها، در راستای پژوهشی اهداف محققان حوزه مطالعات باستانی، تا چه میزان قابل‌استنادند؟ برخورد پژوهش‌گران و استادان دانشگاه‌ها در ایران، برای بهره‌گیری از این متون به‌منظور برون‌دادهای پژوهشی در قالب مقالات علمی - پژوهشی و کتاب چگونه باید باشد؟ به‌نظر می‌رسد آثاری که تاکنون در ایران، در زمینه متون کهن یونان و روم باستان منتشر شده‌اند، به‌دلیل نداشتن متولی تمام‌عیار، چه در زمینه ترجمه و چه در زمینه تولید این آثار، به‌جز چند مورد انگشت‌شمار، دارای انجام خوبی نبوده‌اند.^{۱۲}

به‌باور نویسنده، تغییر رویکرد در ترجمه آثار کهن دنیای باستان راه‌کاری غیرقابل‌اجتناب پیش‌روی پژوهش‌گران این حوزه مطالعاتی است. باید بپذیریم که ترجمه متون کلاسیک با ترجمه متون معاصر تفاوتی بنیادین دارد و به همان میزان که پای‌بندی به واژه‌های زبان مبدأ در ترجمه متون کلاسیک اهمیت ویژه‌خویش را دارد، پاسداری از سبک نویسنده دنیای باستان نیز وظیفه محقق - مترجم این‌گونه آثار است؛ امری که در ترجمه‌های آثار پژوهشی معاصر نیازی به وفاداری تمام‌وکمال بدان احساس نمی‌شود و ترجمه‌ای آزاد نیز می‌تواند نیازهای پژوهشی محقق ما را مرتفع سازد. آنچه در تواریخ هرودوت و زندگی‌های موازی پلوتارخوس ذکر آن‌ها رفت، بیان‌گر اهمیت ویژه متون کهن برای درک بهتر تاریخ و فرهنگ ایران است، افزون‌براین که مترجم - محقق باید با تحقیقی تمام‌عیار و درک دقیق زندگی و زمانه نویسنده کهن مطمئن‌نظر خویش، تفاوت سبک در تواریخ هرودوت هالیکارناسی متعلق به سده پنجم پیش از میلاد را با کتاب‌خانه تاریخی دیودور سیسیلی متعلق به سده اول پیش از میلاد، با ارائه ترجمه‌ای متقن و وفادار به متن پایه نشان دهد.

تنها راه‌کار قابل‌پیش‌بینی برای گذار از احتمال ورود خطا در ترجمه این‌گونه آثار یافتن متولی برای ترجمه این متون کهن است؛ چنان‌که نشر میراث مکتوب برای آثار ایران دوره اسلامی نقش خویش را تاکنون تا حد بضاعت خود درست ایفا کرده است. بدین‌سان، سپردن ترجمه این آثار به صاحبان دانش لازم بر این متون با نظارت همه‌جانبه یک بنگاه ترجمه و نشر کتاب، که هدف غایی‌اش نه دریافت سود مالی، بلکه گسترش به‌سامان این حوزه پژوهشی است، شاید انجام خوبی یابد.

نگارنده بر این باور است که با وجود این‌که از شرق‌شناسی‌رؤیایی یا تخیلی‌غربیان، که به‌نظر می‌رسد ارائه تصویری کاملاً غلط از مشرق‌زمینی واقعی است، بیش از پنج سده می‌گذرد، غرب‌شناسی هنوز در شرق و به مفهوم اخص کلمه در ایران، به مفهوم واقعی آغاز نشده و هنوز چونان نطفه‌ای در کالبد تن می‌نماید. پایان بی‌اعتنایی به غرب‌شناسی در ایران تنها راه آغاز حرکت روبه‌جلو در درک تعامل و تقابل این دو واحد تمدنی است و باید شعار فراگیر «غرب مبهم و تاریک» به کناری نهاده شود (سنگاری، زیر چاپ: تاریخ نگاری و تاریخ‌نگاری در دنیای باستان).

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به <<https://www.lesbelleslettres.com>>.
۲. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: <<https://www.loebclassics.com>>.
۳. گفتنی است که دانشجویان مقطع کارشناسی تاریخ در ایران در درس «یونان و روم باستان»، که هریک از این دروس حداقل چهار واحد درسی مستقل را می‌طلبد، تنها دو واحد درسی مشترک را می‌گذرانند و دو واحد نیز برای درس تاریخ بیزانس در نظر گرفته شده که دانشجوی، با توشه‌ای چنین، در شناخت سرزمین‌های همسایه ایران در عصر باستان، به‌ویژه غرب‌شناسی، قدم در راه تحصیلات تکمیلی برای رشته «تاریخ ایران باستان» می‌نهد.
۴. در این باره بنگرید به:

Plutarque, *Les Œuvres Morales: De la Malignité d'Hérodote*, Tome IV, Traduites du Grec par D. Ricard, Paris, MDCCCXLIV; Plutarch, *Moralia: On the Malice of Herodotus*, vol. xi, translated by L. Pearson and F. H. Sandbach, Loeb Classical Library, Harvard University Press, 1965.

5. Saliat, Pierre, éd. *In-Foli*, Paris, 1556, in-16, 1575.

6. Courier, Paul-Louis, *Fragments d'une traduction nouvelle d'Hérodote*, Paris, 1882.

7. Legrand, Ph.-E., *Hérodote*, Paris: Les Belles Lettres, 1932 à 1954.
8. Dain, A., *Hérodote*, Introd., Paris: Les Belles Lettres, 2 vols., 1962.
9. Artaxerxes, Published in vol. XI of the Loeb Classical Library edition, 1926, p. 133.

۱۰. یونانیان و ایرانیان، پلوتارخ، ترجمه احمد کسروی، صفحه ۱۹۲.

۱۱. بویس ۱۳۷۵: ۳۰۸.

۱۲. نویسنده این سطور با حسن نظر درمورد تلاش مترجمان آثار کهن بر این باور است که ترجمه آثار ذیل باید حتماً با دقت تمام از سوی محققانی که قرار است این‌گونه آثار را در پژوهش‌های خویش مورد استناد قرار دهند، موردبازبینی قرار گیرد: *حیات مردان نامی پلوتارخوس (پلوتارک)* با ترجمه رضا مشایخی و احمد کسروی؛ *تواریخ هرودوت* با ترجمه اعتمادالسلطنه، وحید مازندرانی، هادی هدایتی، فؤاد روحانی، و مرتضی ثاقب‌فر؛ *جنگ‌های ایران و روم پروکوپیوس* با ترجمه محمد سعیدی؛ *کورودیا (کوروش‌نامه)* گسنوفون با ترجمه رضا مشایخی؛ *جغرافیای استرابون (استرابو)* با ترجمه همایون صنعتی‌زاده؛ *لشکرکشی اسکندر آریان* با ترجمه محسن خادم؛ *تاریخ سری پروکوپیوس* با ترجمه محمد سعیدی؛ *خلاصه تاریخ کنزیاس (کنسیاس)* از *کوروش تاردشیر* با ترجمه کامیاب خلیلی؛ *تأملات مارکوس اورلیوس* با ترجمه مهدی باقی و شیرین مختاریان.

کتاب‌نامه

- بویس، مری (۱۳۷۵)، *تاریخ کیش زرتشت: هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ج ۲، تهران: توس.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۹)، *دریاره ترجمه، برگزیده مقاله‌های نشر دانش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۹)، *تاریخ هرودوت*، ج ۲، تهران: اساطیر.
- سنگاری، اسماعیل (۱۳۹۳)، *تاریخ هرودوت (کلید): مادها و هخامنشیان تا فرجام کوروش کبیر (هم‌راه با مقدمه، حواشی، توضیحات، و ضمائم)*، ج ۱، تهران: پارسه.
- سنگاری، اسماعیل (۱۳۸۴)، «نقدی بر تاریخ هرودوت»، ج ۱: *کلیوا، نامه ایران باستان: مجله بین‌المللی مطالعات ایرانی*، س ۵، ش ۱ و ۲.
- سنگاری، اسماعیل (زیر چاپ)، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در دنیای باستان*، تهران: پارسه.
- صفوی، کورش (۱۳۸۲)، *هفت گفتار دریاره ترجمه*، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).
- صفوی، کورش (۱۳۶۹)، *شیوه نقد ترجمه*، در کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، تبریز: دانشگاه تبریز.
- مازندرانی، وحید (۱۳۴۳)، *تواریخ هرودوت*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مازندرانی، وحید (۱۳۷۸)، *هرودوت (تواریخ)*، تهران: افراسیاب.
- مشایخی، رضا (۱۳۳۸)، *حیات مردان نامی اثر پلوتارک*، ج ۴، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی ... ۱۸۵

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، «مسئله امانت در ترجمه»، در: *درباره ترجمه، برگزیده مقاله‌های نشر دانش*، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هدایتی، هادی (۱۳۳۶-۱۳۴۱)، *تاریخ هرودوت (جلدهای اول تا ششم)*، ۶ ج، تهران: دانشگاه تهران.

Bernadotte, Perrin (1965), *Moralia: On the Malice of Herodotus*, vol. xi, trans. L. Pearson and F. H. Sandbach, Loeb Classical Library, Harvard University Press.

Briant, P. (1990), "Hérodote et la société Perse", in Giuseppe Nenci et Olivier Reverdin (eds.), *Hérodote et les peuples non grecs, Entretiens sur l'Antiquité classique*, t. XXXV, Genève.

Briant, P. (1996), *L'empire Perse de Cyrus à Alexandre le Grand*, Paris: Fayard.

Courier, Paul-Louis (1882), *Fragments d'une traduction nouvelle d'Hérodote*, Paris.

Dain, A. (1962), *Hérodote*, Introd. A. Dain, Les Belles Lettres, 2 vols.

Hérodote (1970), *Histoires: Livre I (Clio)*, texte établie et traduit par Ph.-E. Legrand, Société d'Édition "Les Belles Lettres", Paris.

Plutarch (1926), *Lives, Volume XI: Aratus, Artaxerxes, Galba, Otho*, Trans. by Bernadotte Perrin, Loeb Classical Library, Harvard University Press.

Plutarque (1979), *Vies*, Tome: XV: *Artaxerxès, Aratos, Galba, Othon*, texte établie et traduit par Emile Chambry and Robert Flacelière, Société d'Édition "Les Belles Lettres", Paris.

Plutarque (1988), *Les Œuvres Morales: De la Malignité d'Hérodote*, Tome IV, Traduites du Grec par D. Ricard, Paris, MDCCCXLIV.

Plutarque, *Les Vies des Hommes Illustres*, Traduction de Jacques Amyot, texte établie et annoté par Gérard Walter, Bibliothèque de la Pléiade, Paris.

Sharrock, A. and R. H. Ash (2002), "Herodotus", in: *Fifty Key Classical Authors*, London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.